

روش قرآن در طرح مسأله‌ی حجاب

دکتر مریم حاجی عبدالباقی*

چکیده

در این نوشتار، آیه‌های قرآنی درباره‌ی موضوع حجاب را بررسی و نتیجه آن را به شکل اصول و روش‌ها استخراج کرده‌ایم.

با توجه به این که سوره‌ی نور پس از سوره‌ی احزاب نازل شده است و سوره‌ی احزاب در آغاز، درباره‌ی حجاب و عفاف، با زنان پیامبر سخن می‌گوید، نتیجه می‌گیریم قرآن، اصل «تدرج» و روش گام به گام را رعایت کرده است. در روش قرآن، برای اقناع کسانی که خود یا همسرانشان موظفند حجاب را رعایت کنند، از روش توضیح، توجیه، استدلال و تلاش چشم‌گیر استفاده شده است. در روش قرآن هنگام بیان احکام حجاب، اصولی هم چون آزادی و حفظ کرامت انسانی^۱، مدارا^۲، اعتدال و دوری از افراط و تفریط^۳، تشویق، مثبت‌اندیشی^۴ رعایت شده است.

موضوع حجاب در قرآن در چارچوب نظام عفاف اسلامی مطرح شده است با توجه به سوره‌ی نور و روند طرح مسائل در آن به این نتیجه می‌رسیم که در این چارچوب، حجاب، عفاف، و غیرت سه رأس مثلث عفاف در جامعه هستند. واژه‌های کلیدی: حجاب، قرآن، اصل اعتدال، اصل تدرج.

مقدمه:

فرهنگ‌سازی در نظام اجتماعی و ایجاد تحول فرهنگی در جامعه، تابع اصول و آیین‌هایی است که بی‌توجهی به آن اصول و زیر پا گذاشتن آن آیین، چه بسا به نتیجه‌ی عکس

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - دانشکده الهیات و معارف اسلامی واحد تهران شمال

می‌انجامد. اسلام، یک نظام دینی است که بر فرهنگ، باورها و اخلاق مردم، اثر بنیادین گذاشته است. به همین دلیل، با ایجاد تحول مثبت در فرهنگ و اجتماع، به کام‌یابی چشم‌گیری در جامعه‌های گوناگون دست یافته است. اسلام در برخورد با جامعه‌های انسانی اصولی مانند میانه‌روی، مدارا، تدرج و حفظ کرامت و عزت انسانی و روش‌ها و آدابی مانند مهرورزی، الگوسازی و موعظه را مبنای کار خود قرار داده است.

اکنون بر آنیم تا بازیابی اصول و آدابی که پیامبر اکرم (ص) با پایبندی به آنها، فرهنگ حجاب را در دوران جاهلی جاری ساخت، «مسأله‌ی حجاب» را بررسی کنیم. با بررسی موضوع حجاب در قرآن و سنت پیامبر اعظم (ص) پنجره‌های تازه‌ای به روی ما گشوده می‌شود که در ارزیابی آن چه تاکنون انجام داده‌ایم و راه‌یابی به آن چه از این پس باید انجام دهیم، نقش آفرین است.

روند طرح موضوع حجاب در قرآن کریم و اصول حاکم بر آن: اصل اول (حرکت گام به گام): بر اساس آن چه در کتاب‌های علوم قرآنی درباره‌ی ترتیب نزول سوره‌ها آمده، سوره احزاب پیش از سوره نور نازل شده است. این کتاب‌ها، سوره احزاب را نودمین سوره نازل شده و سوره نور را یکصد و سومین سوره بر شمرده‌اند.^۵

خداوند در سوره احزاب در زمینه عفاف و حجاب، ابتدا برای زنان پیامبر اعظم (ص) و سپس زنان مسلمان فرهنگ‌سازی کرده است.

«یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین».^۶

ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو که جلباب‌هایشان (مقنعه یا چادرهایشان) را بر خود نزدیک کنند.

بدین ترتیب دایره‌ی طرح حجاب از خانواده‌ی پیامبر آغاز شده و به زنان جامعه‌ی اسلامی گسترش یافته است.

بر اساس برخی شأن نزول‌ها، بهانه‌ی طرح برخی جنبه‌های حاکمیت عفاف در جامعه، یعنی مسأله‌ی «افک» در سوره‌ی نور، یکی از همسران پیامبر اعظم (ص) است،^۷ ولی احکام

حجاب برای همه مردان و زنان مؤمن مطرح می‌شود و مخاطب آن تنها خاندان رسول اکرم (ص) نیستند. در حقیقت پیامبر اسلام با معرفی نمونه‌ی عینی و الگویی عملی حجاب در سطح خانوادگی خویش، جنبه‌های عملی و نکته‌های مهم حجاب را به نمایش گذاشت تا اجرای آن در جامعه با سرعت صورت پذیرد.

به عبارت دقیق‌تر، مردم با در اختیار داشتن الگویی دقیق و عینی، تکلیف خود را فهمیدند و رفتار متقابل خانوادگی پیامبر و آن حضرت با یکدیگر در این زمینه، پذیرش این رفتار جدید را برای مسلمانان آسان‌تر ساخت. به این ترتیب پیامبر، چیزی را از مردم خواست که خود پیش از هر کسی برای اجرای آن پیش‌قدم شد. ایشان با این کار کلام خدا را که می‌فرماید: «لم تقولون مالا تفعلون»^۱ «چرا چیزی را که عمل نمی‌کنید، بر زبان می‌آورید» تفسیر کرد و به منافقان فرصت شبه‌افکنی نداد.^۲ پس نتیجه می‌گیریم که خداوند در قرآن، اصل حرکت گام به گام را در بیان احکام رعایت کرده است.

اصل دوم (شفافیت در بیان): در سوره احزاب، احکام عفاف و حجاب با توضیح، توجیه و تفهیم بیشتری بیان شده و لحن و آهنگ بیان نیز نرم‌تر، تشویق‌آمیزتر و موعظه‌وارتر است، ولی در سوره‌ی نور، قاطعیت و قانون‌گذاری، پررنگ‌تر است و در بیان حکمت و فلسفه‌ی آن، رنگ توضیح، موعظه و تشویق رو به کاستی گذاشته است. در عبارت‌های سوره احزاب چنین مواردی به چشم می‌خورد:

۱. «یا نساء النبی لستن کاحد من النساء»^۳

ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از دیگر زنان نیستید، اگر تقوا پیشه کنید.

۲. «فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض»^۴

پس لحن سخن خود را نرم نکنید تا آن کس که در قلبش بیماری است، به طمع نیفتد.

۳. «ذالکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن»^۵

این برای پاکیزگی قلب شما و قلب‌های آنان بهتر است.

۴. «ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین»^۶

آن (رعایت پوشش با جلبات) به این که به خوبی شناخته شوند و آزار نینند، نزدیک‌تر

است.

ولی در سوره‌ی نور، چنین تعبیری، یک‌بار به چشم می‌خورد:
«ذلک ازکی لهم»^{۱۴}

آن (پایین انداختن چشم‌ها) برای ایشان پاکیزه‌تر است.
بدین ترتیب لحن بیان آیه‌ها به سمت قانون‌گذاری و توصیه‌های جدی‌تر تغییر می‌کند،
مانند:

۱. آیه‌های آغازین سوره که حکم زنا، قذف و لعان را مطرح می‌کند.^{۱۵}
۲. «قل للمؤمنین بغضوا من ابصارهم ... و قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن»
و به مردان بگو چشم فرو دارند ... و به زنان مؤمن بگو چشم فرو دارند.
۳. «لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم...»^{۱۶}
باید که بردگان و کودکان زیر سن بلوغ (برای ورود به به حریم خصوصی شما) از شما
اجازه بگیرند.

۴. «و اذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستأذنوا کما استأذن الذین من قبلهم»^{۱۷}
آن‌گاه که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، هم‌چنان باید اجازه بگیرند، مانند کسانی
که پیش از آنان، اجازه می‌گرفتند.
۵. «فلیس علیهن جناح أن یضعن ثیابهن»^{۱۸}
بر زنان بازنشسته‌ای که امید زناشویی ندارند، گناهی نیست که پوشش‌های خود را
وانهند.

باید گفت یکی از دلیل‌های تفاوت لحن دو سوره، توجه ویژه به زنان پیامبر و
حرمت‌گزاری ویژه به ساحت پیامبر اکرم (ص) است، زیرا آنان به گونه‌ای معرف شخصیت
پیامبرند و رفتارشان در داوری افکار عمومی نسبت به پیامبر، اثرگذار است. به همین دلیل
قرآن آشکارا خطا و ثواب آنان را دو برابر خوانده است، زیرا یک شخصیت حقیقی و یک
شخصیت حقوقی دارند. شخصیت حقوقی آنان، همسری پیامبر است. هم‌چنین حرمت
ویژه‌ای در رفتار و گفتار برای آنان قائل شده است تا مسلمانان بیاموزند خانواده پیامبر نیز
که به شخص ایشان منسوب هستند، از حرمت ویژه‌ای برخوردارند.^{۱۹} یکی از نشانه‌های این

حرمت آن است که قرآن، همسران پیامبر (ص) را مادران مؤمنان می‌داند^{۲۱} و پس از پیامبر (ص) هیچ کس حق ازدواج با آنان را ندارد.^{۲۲}

خداوند در عبارت «ذلک ادنی ان یعرفن فلاوذین»^{۲۳} به حکمت سفارش به حجاب اشاره و بیان می‌کند که زنان از رعایت حجاب بیشترین سود را می‌برند.

جمله‌ی ماندگار استاد مطهری مبنی بر این که «حجاب، مصونیت است نه محدودیت» با بیان این آیه همخوانی دارد و نشان می‌دهد که چنین رفتار و پوششی با مصون ماندن از آزارها و حفظ شخصیت انسانی زن سازگارتر است.

در بیان قرآن دفع ضرر متحمل و این قاعده‌ی عقلایی که «برای دفع یک خطر بزرگ احتمالی، تحمل برخی ضررهای کوچک مانعی ندارد» مبنا قرار گرفته است. حجاب، به خودی خود، محدودیت و آزاری تحمل‌پذیر است، ولی چون خطرهای بزرگ و ضررهای جبران‌ناپذیر را دفع می‌کند یا از خطر آن می‌کاهد، ارزشمند است. در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی احزاب، در عبارت «فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض» اشاره عقلی دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد اگر زن رفتاری نامناسب با شأن خود داشته باشد و با گفتار، پوشش و نگاه، مردان را تحریک کند، خودش دچار آسیب می‌شود.

همه‌ی مردان جامعه از چنین رفتاری از سوی زنان، تحریک نمی‌شوند ولی وقتی احتمال عقلایی وجود دارد که درصدی از مردان جامعه که به گفته‌ی قرآن بیمار هستند و آستانه‌ی تحریک‌پذیری پایینی دارند، دچار طمع شوند و برای زن و جامعه خطر بیافرینند، کافی است تا همه‌ی زنان با رعایت احتیاط، خود را از این گزند حفظ کنند.

روش قرآن، در آیه‌های حجاب، (احزاب ۳۲ و ۵۹) آیه‌ی رعایت تحریم زن و مرد (احزاب ۵۳) آیه‌های مربوط به تفهیم مسئولیت سنگین زنان پیامبر به دلیل انتسابشان به پیامبر (احزاب ۳۰ و ۳۱) طرح شفاف موضوع و بیان توضیح روشن و ارائه‌ی استدلال قانع‌کننده است.

پیش از پرداختن به روش‌ها و اصول دیگری که قرآن در طرح موضوع حجاب و عفاف به آنها توجه کرده است، چند نمونه‌ی قرآنی برای دو اصل سیاست گام به گام شفافیت اعلام حکم می‌آوریم:

حرمت شراب، در چهار مرحله‌ی گام به گام، اعلام شده است.

۱. ابتدا آیه‌ی ۶۷ سوره نحل به این نکته اشاره می‌کند که «سکر» نقطه‌ی مقابل «رزق حسن» است؛

۲. در مرحله‌ی دوم در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء، مسلمانان را از نماز خواندن در حال مستی باز می‌دارد؛

۳. آنگاه در مرحله‌ی سوم، در آیه‌ی ۲۱۹ سوره‌ی بقره با اشاره به منافع محدود و گناه بزرگ شراب و قمار، برای نخستین بار آن را گناه می‌شمارد.

۴. مرحله‌ی چهارم، در آیه‌ی ۹۰ سوره‌ی مائده، با لحنی محکم‌تر، شراب و قمار را رجس و شیطانی معرفی می‌کند.

در آیه‌های یاد شده روش کاربرد استدلال تفهیم و توجیه به روشنی دیده می‌شود. بدین ترتیب که:

۱. آیه‌ی اول نشان می‌دهد «سکر» نمی‌تواند حسن و نیکو باشد.

۲. در آیه‌ی بعد، دلیل پرهیز از مستی در حال نماز، به روشنی بیان شده است: «تا بفهمند چه می‌گویند»؛

۳. در آیه‌ی سوم گفته شده است خداوند می‌داند شراب و قمار، سودهایی دارد، ولی گناه آنها از منافعشان بیشتر و بزرگ‌تر است؛

۴. در مرحله‌ی نهایی نیز دلایل لزوم پرهیز از شراب و خمر آورده شده است، به این ترتیب که شراب را مایه‌ی ایجاد دشمنی و کینه‌ی مسلمانان و باز داشتن انسان از یاد خدا و نماز می‌داند.

لحن موعظه‌گر آیه در سوره‌ی نساء، بقره و مائده به چشم می‌خورد، مانند آن که پرداختن به چنین کارهایی را به شیطان نسبت می‌دهد و حالت موعظه آن بیشتر می‌شود.

نمونه‌ی دیگر این روش، در دیدار حضرت موسی (ع) با خضر (ع) به چشم می‌خورد. در آن جا نیز سه مرحله وجود دارد که گام به گام سخت‌تر می‌شود و ضرب‌المثل‌های عامیانه

درباره‌ی «سه مرتبه» بودن کارها، ریشه قرآنی می‌بخشد. در داستان موسی (ع) و خضر (ع)، ابتدا موسی (ع) به خضر اعتراض می‌کند، ولی خضر در دفاع از خود می‌گوید:

«الم اقل انك لن تستطيع معي صبرا»^{۲۴}

نگفتم نمی‌توانی با من صبر کنی؟

موسی فرصت می‌طلبد. بار دوم، موسی با این وجود که با کار به ظاهر عجیب‌تری روبه‌رو شده است، شبیه به حالت اول می‌گوید: «عجب کار نامتعارفی انجام دادی» خضر کمی محکم‌تر از بار نخست دفاع می‌کند و می‌گوید:

«لم أقل لك انك لن تستطيع معي صبرا»^{۲۵}

به تو نگفتم نمی‌توانی با من صبر کنی؟

و برای موسی ضرب‌الاجل اعلام می‌کند. بار سوم، موسی اعتراض غیرمستقیم و تلویحی نشان می‌دهد، ولی خضر قاطعانه اعلام جدایی می‌کند.^{۲۶}

در برخورد با ملکه سبا با حضرت سلیمان (ع) نیز سه مرحله به چشم می‌خورد:

۱. ابتدا سلیمان با فرستادن نامه و اثرگذاری بر فکر ملکه‌ی سبا، دعوت خود را اعلام

می‌کند.^{۲۷}

۲. در مرحله‌ی دوم، سلیمان با آوردن تخت ملکه‌ی سبا و تغییر ظاهری آن می‌کوشد

ملکه سبا را از مقام الهی خویش آگاه کند.^{۲۸}

۳. در مرحله‌ی آخر سلیمان (ع) با دعوت کردن ملکه سبا به کوشک آبگینه، او را

هدایت می‌کند.^{۲۹}

اصل سوم (آزادی و حریت): در سوره‌ی احزاب نیز ابتدا پیش از آن‌که احکام ویژه عفاف و حجاب درباره‌ی زنان پیامبر اکرم (ص) و بقیه‌ی زنان مطرح شود، به زنان پیامبر اکرم (ص) اختیار داده شده از زندگی راحت و پر زرق و برق دنیوی و زندگی پرمسئولیت و زاهدانه و روحانی در کنار پیامبر، یکی را برگزینند. هم‌چنین آنها می‌توانستند با انتخاب زندگی بدون پیامبر، از مهریه و هدیه‌ی پیامبر، بهره‌مند و به زیبایی و خوبی و خوشی از

پیامبر جدا شوند.^{۳۰} از این بحث می‌توان دریافت، در قرآن، بیان احکام با رعایت اصل آزادی و حفظ کرامت و عزت انسانی صورت می‌گیرد.

اصل چهارم (مدارا): بیان قرآن در سوره‌ی احزاب و در آیه‌ی حجاب سوره‌ی نور، به وعید و عذاب دوزخ پایان نمی‌باید، بلکه خداوند در آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی احزاب می‌فرماید:

«والله غفور رحیم»

خداوند آمرزنده و مهربان است.

هم‌چنین در آیه‌ی ۳۱ سوره نور می‌فرماید:

«و توبوا الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون»

و ای مومنان! همگی به سوی خدا بازگردید، شاید رستگار شوید.

نتیجه‌ی کلی آن است که اصل مدارا در بیان حکم قرآنی حجاب، رعایت شده است.

اصل پنجم (اعتدال): در سوره‌ی احزاب، وقتی خداوند وظایف حساس زنان پیامبر را به آنان گوشزد می‌کند و از آنها می‌خواهد از تبرج جاهی پرهیزند و در خانه‌هایشان بمانند، آنان در رسیدن به مقام‌های معنوی و انسانی با مردان برابر و مأجور عندالله می‌خوانند تا بدانند این خانه‌نشینی، مانعی برای پیشرفت آنها نیست.^{۳۱}

خداوند با بیان دستور دقیق، از پی آمده‌های منفی خانه‌نشینی زنان جلوگیری می‌کند که همانا محدود شدن دنیای آنان به چار دیواری خانه است.^{۳۲} بدین ترتیب، از ایجاد سوء تفاهم، شبهه و عقده در زنانی که وظیفه دارند فرمان قرآن را اجرا کنند، جلوگیری می‌کنند.^{۳۳}

بدین ترتیب در می‌یابیم که قرآن در کنار بهره‌گیری از روش تشویق^{۳۴} در بیان حکم با بیان راه کار صحیح، از پی آمده‌های منفی اجرای قانون و افراط و تفریط در آن جلوگیری کرده است تا اصل اعتدال و دوری از افراط و تفریط رعایت شود.

اصل ششم «نگاه سیستماتیک و جامع (رعایت پرسپکتیو): الف) اسلام یک نظام جامع برای تأمین سعادت فردی و اجتماعی انسان‌هاست، هر چیزی در نظام اسلامی سر جای خویش قرار دارد. همه‌ی قوانین و احکام اسلام باید سر جای خویش قرار گیرد و با هم

پیاده شود. تا نتیجه‌ی حقیقی به دست آید (شکل A) باید نگاه ما به قوانین اسلام سیستماتیک باشد. یعنی اسلام را مثل یک پیکره ببینیم. پرداختن به یک بعد و یک حکم و یک عضو و معطل گذاشتن ابعاد و احکام دیگر اسلام، به زیبایی و جامعیت و کمال اسلام، لطمه می‌زند (شکل B) حاکمیت نظام عفاف و حیا در جامعه، یک بخش از کل پیکره اسلام است که پرداختن به آن در اندازه و جایگاه خودش، لازم و ضروری است ولی پرداخت تک بعدی به آن، انسجام و تعادل سیستم را دچار اختلال می‌کند.

این شکل برای مقایسه‌ی دو نحوه‌ی برخورد با اسلام، ارائه می‌شود.

ب) از دیگر سو، قرآن یک نظام کامل عفاف و حیا را که از مؤلفه‌های مختلف بر خوردار است، ترسیم کرده و یکی از مؤلفه‌های این سیستم، پوشش خاص زنان، در کنار دوری از زینت و تبرج است. مسأله‌ی حجاب در چهارچوب عفاف و حیا در جامعه مطرح شده است و رعایت حجاب، در چهارچوب دیگر قوانین حاکمیت حیا و عفاف، نتیجه بخش وثمرثمر خواهد بود.

اکنون روند طرح موضوع حجاب و عفاف در سوره‌ی نور را می‌توان به شکل زیر

ترسیم کرد:

مسیر طرح مسائل عفاف در قرآن در سوره‌ی نور به شکل زیر است:

بیان حد زنا (ترمز و خط قرمزی برای جلوگیری از فساد و فحشا) و سخت‌گیری بر زناکاران به چند صورت.

بیان حد قذف (به عنوان مکمل مبارزه با فحشا از راه سخت‌گیری قانونی).

بیان لعان و قانون و احکام آن (برای توجه خاص به خانواده و نقش آن در جامعه).

بیان افک و آموزش دادن به اعضای جامعه در زمینه شناخت برخورد درست یا

نادرست با چنین روی دادهایی.

حکم شیوع فاحشه و آثار آن.

موعظه مؤمنان برای پیروی نکردن از نقشه‌های شیطان.

تأکید مجدد بر آثار منفی قذف در دنیا و آخرت.

همتایی مردان پاک با زنان پاک و مردان ناپاک با زنان ناپاک.
 نهی از ورود به خانه ناآشنایان جز با اجازه و اعلام.
 بیان اجازه‌ی ورود به خانه‌های عمومی و غیرمسکونی.
 بیان لزوم عفاف چشم و پوشاندن ناموس و عورت برای مردان مومن.
 بیان لزوم پوشانیدن گریبان با مقنعه از سوی زنان.
 بیان لزوم پانکوبیدن زنان، برای پنهان ماندن زینت‌های مخفی.
 بیان لزوم فراهم کردن اسباب ازدواج مجردها.
 بیان لزوم عفت ورزیدن مجردها تا فراهم شدن زمینه‌ی ازدواج.
 بیان لزوم کسب اجازه کودکان و بردگان جهت ورد به اتاق پدر و مادر.
 بیان لزوم کسب اجازه فرزندان پس از بلوغ برای ورود به اتاق پدر و مادر.
 بیان اجازه رفع حجاب زنان بازنشسته تا امید از ازدواج (مسن) به شرط عدم زینت.
 زمخشری در کشاف به حسن تربیت قرآن در سوره‌ی نور در موضوع حجاب اشاره کرده است. قرآن، نظام کامل عفاف و حیا را که ویژگی‌های گوناگونی دارد، ترسیم کرده است که یکی از ویژگی‌های این نظام پوشش ویژه‌ی زنان در کنار دوری از زینت و تبرج است. بی‌شک، رعایت حجاب در چارچوب ترسیم شده از سوی قرآن، ثمربخش خواهد بود. باید دانست این نظام در سوره‌ی احزاب نیز رعایت شده است. در آیه‌ی ۳۲ و ۳۳ بحث چگونگی سخن گفتن با مردان، پرهیز از تبرج حفظ متانت و ترجیح دادن خانه‌نشینی را مطرح می‌کند. در آیه‌ی ۵۳، به مردان و زنان می‌آموزد که چگونه با هم معاشرت داشته باشند و اختلاط و انس گرفتن گفتاری را به کمترین حد خود برسانند. در آیه‌ی ۵۹ نیز بحث پوشش را برای زنان مطرح می‌کند.

گفتنی است رژیم پهلوی در قضیه‌ی «کشف حجاب»^{۳۵} به خوبی از وجود پیوند تنگاتنگ میان اجزای عفاف در جامعه، آگاه بود. از این رو، از یک سو، بی‌شرمانه و مستبدانه، پوشش را از سر زنان برداشت^{۳۶} و از سوی دیگر، زنان و مردان را تشویق کرد که

در محفل‌های عمومی و خصوصی به دوستی و اختلاط با یکدیگر بپردازند.^{۳۷} رژیم پهلوی می‌دانست که معاشرت و پوشش بدون یکدیگر کامل نمی‌شوند.

اصل هفتم (بهره‌گیری از عوامل و ابزار): بهره‌گیری از عوامل و ابزار فرهنگ موجود برای ساختن فرهنگ جدید.

قرآن کریم هم در سوره‌ی نور با لفظ «خمرهن» و هم در سوره‌ی احزاب با لفظ «جلابینهن» نشان می‌دهد که آنان چیزهایی برای سر کردن داشته‌اند. مقنعه و جلباب برایشان شناخته شده بود و برایشان آشنا بود، مقنعه و جلباب، ولی استفاده کامل و صحیح از آن نمی‌کردند و به قول برخی از دانشمندان این بیان قرآن نشان می‌دهد که حکم حجاب، حکم امضایی بوده است نه تأسیسی.

حجاب در قرآن، وظیفه زنان مؤمن است و غیرت مردان مؤمن آن را تکمیل می‌کند. «ونساء المومنین» زیرا می‌توانست بگوید: «زنان مسلمان» ولی فرمود «زنان و مردان مؤمن». باید دانست این دستور، نوعی ارزش بخشی به آنان است، نه آن که همه‌ی زنان جامعه از یهودی، مسیحی و دیگر دین‌ها ملزم به رعایت حجاب باشند.

در واقع زن مسلمان با رعایت دستور حجاب بر اساس روش قرآنی به خوبی با دیگران رابطه برقرار می‌کند و نه تنها احساس اجبار نمی‌کند، بلکه حس عزت نفس و کرامت او هم ارضا می‌شود. گویی حجاب اسلامی، جایگاهی چنان والا برای زنان مسلمان به وجود می‌آورد که زنان غیرمسلمان به آن دست نمی‌یابند. همچنین این دستور نشان می‌دهد که افزون بر نقش آفرینی عفاف و حیا در زنان برای اجرای حکم حجاب، غیرت و ناموس پرستی مردان مسلمان نیز در این زمینه نقش دارد.

اگر در جامعه‌ای بر عفاف و حیا از یک سو و غیرت و تعصب به جا از سوی دیگر تمرکز شود، حجاب بیرونی با این دو عامل درونی، جمع و زنجیره عفاف کامل می‌شود. آن‌گاه جامعه رنگ صلاح به خود می‌گردد.

مقایسه رویکرد قرآن کریم و سیاست نظام جمهوری اسلامی در طرح موضع حجاب

در یک نگاه کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه عفاف و حجاب به پیروزی‌های بزرگی دست یافته است، زیرا این نظام در عمل نشان داد که امکان دارد زنان جامعه راهی دانشگاه شوند و مراحل عالی تحصیلی را بپیمایند و حتی به مقام استادی دانشگاه برسند، ولی حجاب و عفاف خود را حفظ کنند.

در پرتو جمهوری اسلامی، زنان می‌توانند در زمینه‌های گوناگون اجتماعی نقش آفرینی کنند، در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، هنری و سیاسی شرکت فعال داشته باشند، در انتخابات و راه‌پیمایی‌ها پا به پای مردان حاضر شوند و در دوران جنگ تحمیلی، با پشتیبانی از جنگ و تقویت روحیه‌ی شهادت‌طلبی، الگوآفرینی کنند. همچنین این انقلاب ثابت کرد می‌توان سینمای بدون فساد ایجاد کرد و فعالیت‌های هنری را از محوریت جاذبه‌های جنسی زنانه خارج کرد. در واقع جمهوری اسلامی توانست آیه‌ی ۳۴ و ۳۵ سوره‌ی احزاب را که از یک سو به خانه‌نشینی و حفظ وقار و از سوی دیگر به تعلیم و تذکر دستور می‌دهد، با هم اجرا کند.

(۲) در این میان باید دانست نظام جمهوری اسلامی نمی‌تواند همه‌ی افراد جامعه را هم عقیده و یا هم سلیقه خود سازد. از این رو، نقطه‌ی قوت دیگر این نظام پای‌بندی به اصول و دست برداشتن از قاطعیت در اجرای احکام اسلام به خاطر حفظ منافع مادی است.

تفاوت‌های جامعه‌ی ایران و جامعه‌ی دوران پیامبر اعظم (ص)

مقایسه‌ی روش جمهوری اسلامی در طرح مسأله‌ی حجاب با روش قرآن و واکاوی نقاط قوت و ضعف نظام:

الف) قیاس مع الفارق (فارقهای این قیاس):

در درجه‌ی اول باید دانست، مقایسه‌ی عصر جمهوری اسلامی با عصر نزول قرآن، قیاس مع الفارق است چرا که لااقل دو چیز وضعیت جامعه‌ی ایران در زمان پیروزی انقلاب را با عصر پیامبر کاملاً متغایر می‌سازد.

غرب‌زدگی:

پدیده‌ای به نام غرب‌زدگی و تأسی کور به ظواهر فرهنگی غرب و گریز از خود و فرهنگ خودی، در عصر حاضر وجود دارد که ریشه‌ی بی‌حجابی هم در همان پدیده بوده است و زمان نزول قرآن، چنین معضلی با این ابعاد برای اعراب وجود نداشته است. آنچه ابتداءً زنان را در ایران به بی‌حجابی کشانید، تصمیم آنان برای کنار گذاشتن حیا و عفاف و حجاب نبود، بلکه زور و اجبار رژیم مستبد بود که با مشاهده‌ی برخی ترقیات در کشورهای غربی به تصور این‌که با ملبس شدن به ظواهر غربی، به آن پیشرفت‌ها هم نائل می‌شویم، مردم ایران را وادار کرد دست از سنت‌ها و باورهای خویش بردارند.

رفتار و منش قشریون مسلمان:

در صدر اسلام مردم با اسلام پیامبر و اسلام راستین، روبه‌رو شدند و اسلام دروغین یا اسلام ناقصی در جامعه وجود نداشت که مردم آن را معیار قضاوت قرار دهند.

در جامعه‌ی ایران قبل از انقلاب، یک اسلام ناقص که ابعاد فراوانی از آن تعطیل بود و ابعادی از آن با سنت‌های مردم گره خورده بود، در بین مردم جریان داشت مردم زن را در حجاب و پوشش کامل می‌دیدند اما آن زن محجب، زن اسلامی و مورد تأیید اسلام نبود. چون دچار بی‌سوادی و فقر فرهنگی مفرط بود. به همین دلیل وقتی رژیم پهلوی تحت تأثیر جاذبه‌های جهان غرب راه ترقی و پیشرفت را در بی‌حجابی دید، توطئه در طول زمان به موفقیت نسبی در برخی ابعاد دست یافت، چرا که زنان جامعه‌ی ایران، شاهد عقب ماندگی تحصیلی، علمی، فکری و اجتماعی زنان جامعه‌ی خویش و سایر مسلمانان در مقایسه با زنان اروپایی و آمریکایی بودند.

اینک به تفصیل به هر یک از دو مطلب می‌پردازیم:

تفاوت اول:

میان فرهنگ حاکم بر جامعه‌ی ایران در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و فرهنگ

حاکم بر مردم و دوران جاهلیت تفاوت‌های اساسی وجود دارد که اکنون بر می‌شماریم:

برزگان و خبرگان تعلیم و تربیت بر این باورند که آموزش افرادی که ذهنشان از

موضوعی که قرار است درباره‌ی آن آموزش ببینند، تهی است، از آموزش کسانی که

آموخته‌های ناقص یا غلط در ذهن دارند، بسیار ساده‌تر است. مقایسه‌ی وضعیت دوران پیامبر اکرم (ص) با دوران حضرت علی (ع) گواهی بر این موضوع است. حضرت رسول اکرم (ص) به علی (ع) می‌فرماید: یا علی! مردم با من بر سر تنزیل قرآن به جنگ برخاستند، ولی با تو بر سر تأویل قرآن خواهند جنگید.^{۳۸}

پیامبر باید جامعه‌ای را که با مفهوم وحی و قرآن بیگانه بود، به دین‌داری فرا می‌خواند، ولی حضرت علی (ع) باید جامعه‌ای را که به کج فهمی دینی دچار شده و تزلزل به ارکان دینی آن راه یافته بود، اصلاح می‌کرد و به سوی دین حقیقی رهنمون می‌ساخت که بی‌شک این کار بسیار پیچیده‌تر بود.

در جامعه‌ی ایران، با توجه به حجم گسترده‌ی تبلیغات رژیم پهلوی در زمینه‌ی کشف حجاب، غرب‌زدگی عمومی مردم و رفتار دین‌داران، مردم با مفهوم حجاب بیگانه نبودند. با این حال انتظار نمی‌رفت با تلاش ساده‌ی حکومت اسلامی، با معنا، ضرورت و جنبه‌های گوناگون آن به‌طور کامل آشنا شوند و دوباره به راحتی حجاب را بپذیرند. زیرا به شبهه و ذهنیت منفی دچار شده بودند.

از یک‌سو، در نگاه بسیاری از زنان و مردان تحصیل کرده حجاب نشانه عقب‌ماندگی و بی‌حجابی نشانه پیشرفت بود. از سوی دیگر در نگاه گروهی دیگر، همه‌ی دین، در برداشت‌های خشک و انعطاف‌ناپذیر از دین و شکل ظاهری حجاب خلاصه می‌شد و پوسته‌ی بدون مغزی از شریعت بر رفتارها و ذهنیت آنان حاکم شده بود. در این میان، شمار اندکی از افراد جامعه توانسته بودند خود را از گزند غرب‌زندگی و تبلیغات منفی رژیم پهلوی در امان نگاه دارند و به خشک‌اندیشی نیز دچار نشوند.

برای مبارزه با یک پدیده باید ریشه‌های آن را شناسایی کرد. سپس با خشکانیدن ریشه‌ها، آن پدیده خود به خود نابود می‌شود. می‌دانیم که ریشه‌ی بی‌حجابی در ایران، آغاز دسیسه‌های استعمار غرب برای سلطه‌ی بی‌دغدغه بر منابع کشور بود؛ زیرا می‌دانستند وقتی ما را از درون تهی کنند، به راحتی فرهنگ آنان را می‌پذیریم و تسلیم آنان می‌شویم.^{۳۹}

غرب‌زدگی سردمداران حکومت‌های قاجار و پهلوی شیفتگی کارگزاران امور اجتماعی، فرهنگی و هنری در برابر ارزش‌ها و معیارهای غربی را باید دومین عامل

بی‌حجابی دانست. رضا شاه در خرداد ۱۳۱۴ روزی هیأت دولت را احضار کرد و گفت: «ما باید صورتاً و سنتاً غربی بشویم.» وی همچنین گفته بود: «دوست ندارم تمجید و تعریف از غرب را بشنوم. دوست دارم خودمان غربی بشویم.»^{۴۰}

بهترین راه مبارزه با این پدیده ناخواسته، مبارزه با غرب‌زدگی است. غرب‌زدگی به عمق روابط و مناسبات اجتماعی و ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی ما نفوذ کرده و یکی از جنبه‌های آن نگاه سودجویانه به زن و دریدن پرده‌های عفاف است. مبارزه وقتی نتیجه‌بخش است که به جای مبارزه با معلول، با علت مبارزه شود، یعنی در صورت مبارزه با غرب‌زدگی و پررنگ کردن ارزش‌های خودی و هویت ایرانی، بدون پرداختن مستقیم به حجاب، زنان بیشتر به حجاب روی می‌آورند.

برای نمونه آگاهی‌بخشی مؤسسه‌ی حسینیه‌ی ارشاد و شخص دکتر علی شریعتی با طرح نظریه «بازگشت به خویش» سبب شد جوانان با هویت ایرانی، اسلامی و شرقی خویش آشنا شوند، به گونه‌ای که جوان دیگر حاضر نمی‌شد به راحتی از مظاهر غرب استفاده کند، شلوار لی بپوشد و تیپ غربی را انتخاب کند. چنین جوانی کم‌کم برای اثبات هویت خویش به لباس و فرهنگ خود رو می‌آورد و احساس می‌کرد از این راه بر نفوذ استعمار غرب و غرب‌زدگی خط بطلان می‌کشد و خود را اثبات می‌کند.^{۴۱}

افزون بر آن، امام خمینی (ره) پیش و بیش از همه باور کرده بود که این باور را در مریدان و پیروانش تقویت می‌کرد و شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» او سبب شد زن‌ها حجاب بر سر، به خیل مردم مؤمن به روح‌الله بیبوندند.

در گزارش ساواک در دیماه ۱۳۵۶ آمده است:

در سنوات اخیر، موج جدیدی برای استفاده از چادر و مقنعه در بین تعدادی از خانواده‌ها به وجود آمده، مشاهده می‌گردد که گروهی از دختران خردسال و جوان از چادر و مقنعه استفاده می‌نمایند و حتی دامنه‌ی آن به سطح مراکز عالی آموزشی کشانیده شده به نحوی که افزایش آن نسبت به سال‌های قبل در اغلب مجامع و خیابان‌ها کاملاً محسوس است. به موازات این تغییر ظاهری، گرایش‌ات مذهبی نیز فزونی یافته است.^{۴۲}

در این میان، رفته رفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای روشن کردن زاویه‌های پدیده‌ی غرب‌زدگی نه تنها کار فرهنگی عمیق و مؤثر به ویژه از طریق صدا و سیما و مطبوعات انجام نشد، بلکه روند غرب‌زدگی از چند سو شدت یافت که آن را بر می‌شماریم:

۱- به دلیل پیشرفت کنترل ناشدنی کامپیوتر، اینترنت، ماهواره و ارتباطات و تبادل لحظه‌ای اطلاعات و مسأله جهانی شدن از نوع امپریالیستی آن، تهاجم فرهنگی غرب شدت گرفت که رهبر انقلاب از آن به شیخون فرهنگی یاد کرد. علامه شعرانی در تعلیق به تفسیر منهج الصادقین می‌نویسد: مردم زمان ما می‌پندارند کشف حجاب زنان از لوازم ترقی بشر است، مانند ترقی علوم و صنایع و آزادی رعیت و محدود ساختن ولات، ولی این سخن غلط است و رفع حجاب هم مانند شیوع مسکرات و رواج فحشا و قمار به علت غلبه‌ی نصارا است و تقلید ضعیف از قوی، ارتباط با ترقی بشر ندارد.^{۴۳}

۲. بیشتر کسانی که مسئولیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری را بر عهده داشتند به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف) کسانی که غرب‌زده نبودند، ولی از چگونگی بستن راه‌های نفوذ غرب‌زدگی و چگونگی هویت‌آفرینی برای مردم آگاهی نداشتند که بیشتر مسئولان از این دسته بودند.

ب) کسانی که نسبت به این پدیده و آثار شوم آن، بی‌اعتنا یا از اهمیت این مسأله، بی‌خبر بودند و آن را توهم می‌پنداشتند.

ج) کسانی که خود غرب‌زده بودند و خواسته یا ناخواسته با محصولات فرهنگی و هنری خود یا تصمیم‌های فرهنگی و اجتماعی خویش، زمینه‌ی غرب‌زدگی را هموار می‌کردند که اقلیت را تشکیل می‌دادند.

۳. اشتباه و نقاط ضعف نظام جمهوری اسلامی نیز خواسته یا ناخواسته سبب گریز جوانان و تحصیل‌کردگان از نظام و در غلتیدن آنان به دامان بیگانگان می‌شود. برای نمونه، ضعف در جنبه‌های علمی و پژوهشی سبب می‌شود جوانان دانش‌پژوه زمینه‌ی پژوهش و پیشرفت علمی و تحصیلی را در خارج از ایران دنبال کنند. ضعف سیاسی نظام نیز آن است که صدای مخالف را بر نمی‌تابد و چند صدایی را هرج و مرج می‌پندارند. نمونه‌ی ضعف

اقتصادی و اجتماعی نیز آن است که وقتی یک ایرانی، خودروی ساخت ایران را با خودروی خارجی ساخت کشوری حتی آسیایی مانده کره‌ی جنوبی مقایسه می‌کند، در می‌یابد که خودروی ساخت ایران کاستی‌های بی‌شماری دارد که تنها به دلیل سهل‌انگاری و بی‌توجهی در سیستم تولید، کنترل یا توزیع، رخ داده است. بدین ترتیب، شهروندان از تولید ایرانی بیزار می‌شوند و به محصولات غربی روی می‌آورند.

تفاوت دوم: در جامعه‌ی ایران، تبلیغات منفی رژیم شاه که چادر را «کفن سیاه می‌نامید»^{۴۴} و کشف حجاب را پاره کردن «سند رقیب زنان» می‌خواند، ذهن‌ها را پر آشوب ساخته بود. با توجه به گسترش روز افزون تبادل اطلاعات از راه ماهواره، اینترنت و فیلم‌های گوناگون و سیل تبلیغات فمینیستی و اومانیستی، روز به روز بر حجم چنین تبلیغاتی افزوده شده است.

چون سیاست‌گذاران جامعه بر خلاف پیامبر از وحی و عصمت بهره‌مند نبودند، در زمان تجربه کردن حاکمیت دینی، آنچه به جامعه عرضه کردند، از اشتباه و کاستی به دور نبود. افزون بر آن، نظام جمهوری اسلامی در جهان معاصر، بی‌یاور بوده و با هجمه‌ای از انتقاد، ریش‌خند، دشمنی، توطئه، سکوت یا بی‌اعتنایی از آن سوی مرزها روبه‌رو می‌شد و می‌شود.

در صدر اسلام با چاره‌اندیشی قرآن که پیش‌تر به آن پرداخته شد، زنان حجاب را به راحتی پذیرفتند و حتی حجاب را نشانه‌ی شخصیت‌بخشی و آزادمنشی خود پنداشتند. از ام‌سلمه و عایشه نقل شده است هنگامی که آیه‌ی حجاب نازل شد، زنان انصار به نحوی از خانه بیرون می‌آمدند که گویی بر سر آنان کلاغی نشسته از سکینه و وقار آنان و کیسه‌ی سیاهی که بر تن می‌کردند.^{۴۵} همچنین توجه به آیه‌های پیش و پس از حجاب که درباره‌ی آزار مردان و زنان مومن و سوء استفاده منافقان است، نشان می‌دهد که جامعه ایرانی برای دفع آزار یاوه‌گویان، از حجاب استقبال کرده است. در بسیاری از تفسیرها در بیان شأن نزول آیه‌ها به این مسأله اشاره شده است که افراد فاسد، شب‌ها سر راه زنان، کمین و به آنان تعرض می‌کردند. پس صدور دستور حجاب برای کاستن از تعدی و احتمال آزار

آنان بود.^{۴۶} البته در برخی تفسیرها چنین توجیه می‌شود که برای مشخص شدن زنان آزاد مسلمان از زنان کنیز و زنان غیر مسلمان، دستور حجاب داده شده تا مفسدان به زنان مسلمان آزار نرسانند، ولی در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد. برخی دیگر از مفسران این نظریه را مردود می‌دانند و چنین استدلال می‌کنند که زنان مؤمن شامل زنان آزاد و برده می‌شود و امکان فتنه برای زن برده بیشتر است، چون بیشتر در محیط‌های اجتماعی ظاهر می‌شود و او را خرید و فروش می‌کنند پس خارج کردن کنیزان از عموم اطلاق آیه به دلیل واضح نیاز دارد^{۴۸} علامه طباطبائی می‌نویسد:

پوشانیدن همه‌ی بدن به این که اهل پوشش و صلاح شناخته شوند و اذیت نشوند، یعنی اهل فسق آنان را اذیت نکنند و متعرض آنان نشوند، نزدیک‌تر است و قول ضعیفی هم هست که می‌گوید زنان آزاده‌ی مسلمان از طریق پوشش از بردگان و غیر مسلمانان متمایز شوند و دیگر به تصور این که آنان آزاد نیستند، آنان را مورد تعرض قرار ندهند. سپس می‌فرماید قول او را درست‌تر می‌داند.

حال که چنین تفاوت آشکاری میان دید عمومی جامعه‌ی ایران نسبت به پوشش سراسری بانوان و دید عمومی مردم مسلمان صدر اسلام وجود دارد، عقل حکم می‌کند روش طرح و اجرای حکم اسلامی و پوشش در جامعه ایران متفاوت باشد و ظرافت‌های بیشتری در آن رعایت شود.

وظیفه‌ی نظام پیش از توسل به قانون، فرهنگ‌سازی گسترده با کمک صدا و سیما، سینما و مطبوعات در سطح کودکان، مدارس و دانشگاه‌ها در مرحله‌ی بعد، در سطح جامعه برای موجه جلوه دادن حجاب و پاک کردن ساحت آن از شبه‌هاست.

نمونه فرهنگ‌سازی در کشورهای غربی آن است که وقتی در آمریکا متوجه شدند کودکان زیادی دچار کمبود آهن هستند، انیمیشن «کاپیتان استفناج» را ساختند و پس از چند سال، آمارها نشان داد که کمبود آهن در اطفال به طور چشم‌گیری کاهش یافته است. این نمونه تبلیغات تدریجی رسانه‌ها و ساختار آموزش و پرورش در غرب برای جا انداختن اهمیت شیر مادر نزد افکار عمومی به ویژه مادران می‌توانست الگوی مناسبی برای نظام اسلامی ایران برای نهادینه کردن پوشش، پس از تصویب قانون در این زمینه باشد.

باتوجه به روحیه قانون‌گریزی جاری در جامعه‌ی ایران که نمونه‌های آن در رفتارهای مالیاتی، ترافیکی، بهداشتی مردم ایران به چشم می‌خورد، نظم اسلامی توانست در اجرای قانون استفاده از کمربند در اتومبیل‌ها، روش مناسبی را در پیش بگیرد. در این طرح اعلام شد که قرار است شش ماه دیگر، این قانون به اجرا درآید. گستره‌ی اجرای آن نیز ابتدا در بزرگراه‌ها اعلام شد. سپس با شیوه‌های گوناگون آگاهی‌بخشی و تبلیغ لازم صورت گرفت و جریمه‌ی مناسبی هم برای خلاف‌کاران تعیین شد. به این ترتیب، در کمال ناباوری مردم عادت کردند از کمربند استفاده کنند. حال اگر شیبه چنین فرآیندی درباره‌ی حجاب اجرا می‌شد، می‌توانستیم پی‌آمدهای خوشایندی را انتظار داشته باشیم. نظام اسلامی پیش از بسترسازی مناسب فرهنگی برای تبدیل حجاب و چادر به ارزش فرهنگی و علمی آن‌چه را در ذهن بسیاری از گروه‌های اجتماعی با عقب‌ماندگی و بی‌فرهنگی یکسان بود، بر جامعه تحمیل کرد. شیوه‌ی رفتار اسلام با پدیده‌های ناپسندی مانند برده‌داری، شراب‌خواری و ربا، سرمشق مناسبی برای جامعه کنونی ماست. در جامعه‌ی دوران پیامبر اعظم (ص) با این منکرات از آن نظر که تا پیش از آن منکر دانسته نمی‌شد، با زمینه‌سازی مناسب برخورد شد. شایسته است در برخورد با بی‌حجابی و بدحجابی نیز روش اصیل اسلامی را الگو قرار دهیم و از افراط و تفریط در این زمینه پرهیزیم.

پی نوشت ها

۱. نک: احزاب، ۲۸ و ۲۹
۲. نک: نور ۳۱ احزاب، ۵۹
۳. نک: احزاب، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۵۵
۴. نک: احزاب، ۳۴، ۳۴، ۳۵ و ۵۹
۵. بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، برهان، ج، ص ۱۹۳، جلال الدین عبدالرحمان سیوطی، اتقان، ج ۱، ص ۷۶، محمد هادی معرفت، تمهید، ج ۱، ص ۱۷۲
۶. احزاب، ۵۹
۷. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۹۸ و ۹۹، سید محمد آلوسی، روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۱۲ و ۱۱۳، ص ۸ صف، ۲
۹. احزاب ۶۰
۱۰. احزاب، ۳۲
۱۱. احزاب، ۳۲
۱۲. احزاب، ۵۳
۱۳. احزاب، ۵۹
۱۴. نور ۳۰
۱۵. نور ۳۰ و ۳۱
۱۶. نور، ۵۸
۱۷. نور، ۵۹
۱۸. نور، ۶۰
۱۹. احزاب، ۳۰ و ۳۱
۲۰. احزاب، ۳۲
۲۱. احزاب، ۶
۲۲. احزاب، ۵۳

۲۳. احزاب، ۵۹

۲۴. کهف، ۷۲

۲۵. کهف، ۷۵

۲۶. کهف، ۷۸

۲۷. نمل، ۲۸، ۳۱

۲۸. نمل، ۳۸، ۴۳

۲۹. نمل، ۴۴

۳۰. احزاب، ۲۸ و ۲۹

۳۱. احزاب، ۳۳ و ۳۵

۳۲. احزاب، ۳۴

۳۳. احزاب، ۳۵

۳۴. احزاب، ۳۵

۳۵. امام خمینی در کشف‌الاسرار به خوبی نشان می‌دهد که کشف حجاب، نقشه اجانب برای قطع ریشه‌های مبارزه با استعمار در ایران است. نک: کشف‌الاسرار، ص، ۳۳۰ به بعد

۳۶. صلاح، کشف حجاب زمینه‌ها و پی آمدها، صفحه ۱۳۱ و ۱۳۲، مرکز بررسی اسناد تاریخی، تغییر لباس و کشف حجاب، سند ۵۶، ص ۱۴۴ واقعه کشف حجاب، سند شماره ۱۴۵ ص ۳۰۴.

۳۷. همان، سند ۷۲ و ۵۴۰ و اسناد دیگر.

۳۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی طالب (ع)، ج ۳، ص ۲۱۸.

۳۹. نک: تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۸۸، کشف‌الاسرار، ص ۳۳۰ به بعد.

۴۰. واقعه کشف حجاب، ص ۲۱، به نقل از: یحیی دولت‌آبادی و دیگران، خاطرات توران امیر

سلیمانی.

۴۱. نک: علی شریعتی، بازگشت به خویش.

۴۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۲۸۶.

۴۳. فتح‌الله کاشانی، منهج‌الصادقین، ج ۷، ص ۳۶۸.

۴۴. مجله ایرانشهر، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۶۸۷.

۴۵. المیزان ج ۱۶ ص ۳۳۶، روح‌المعانی ج ۲۱ ص ۸۹۰.

۱۰۸ نامه الهیات ، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۶

۴۶. منهج الصادقین ، ج ۷ ص ۳۶۸.

۴۷. منهج الصادقین ، جوامع الجامع، ج ۳ ص ۳۳۲ و تفاسیر متعدد دیگر.

۴۸. ابو حیان، البحر المحيط، ذیل آیه.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی